

◊ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال یازدهم، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۹

صفحات: ۶۱-۷۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۸/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶

## حقوق مالی زن در تمدن‌های کهن و ادیان توحیدی

زینب سودی<sup>\*</sup>  
فریبا حاجی‌علی<sup>\*\*</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی حقوق مالی زن در تمدن‌های کهن و ادیان توحیدی است. جامعه پژوهش حقوق مالی ثبت شده در تمدن‌های دوره باستانی و ادیان توحیدی می‌باشد. نمونه مورد بررسی حقوق مالی زنان در تمدن‌های پیشین، بعد از اسلام و ادیان توحیدی را شامل می‌شود. طرح پژوهش توصیفی است. برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شد. تحلیل داده‌ها به روش کیفی انجام شد. یافته‌های به دست آمده نشان داد، حقوق مالی زنان در ادوار مختلف تاریخی وضعیت با ثبات و مشخصی نداشته و از تمدنی به تمدن دیگر و در ادیان مختلف فراز و نشیب فراوانی داشته است. در تمدن‌های قبل از اسلام زنان از برخی حقوق بهره‌مند و از برخی هم محروم بوده‌اند. اما در ادیان توحیدی از جمله یهود، زن با ازدواج مالکیت بر اموال خود را از دست می‌دهد. در مسیحیت هم زن و اموال او در تملک مرد بوده و زن هیچ تسلطی بر اموال خود نداشته است. اما با ظهور اسلام، استقلال اقتصادی و حق تملک زن بر دارایی‌هایش رسمیت یافت و نظام اقتصادی خانواده به گونه‌ای تدوین شد که از ابتدای تولد تا مرگ مرجع تأمین مالی زن و تمتع از اموالش کاملاً روشن و بر اساس انسانیت او مشخص شد. و با گذشت زمان زنان توانستند حقوق مالی و اقتصادی خود را متناسب با شایستگی شان کسب کنند.

کلید واژگان: حقوق مالی، تمدن‌های کهن، ادیان توحیدی.

\* کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: soodizeinab@gmail.com)

\*\* دانشیار فقه و حقوق، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (ایمیل: faribahaj@yahoo.com)

تمام حقوق انتشار این اثر متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می‌باشد.

## مقدمه

مطالعه وضعیت زنان در ادوار مختلف تاریخ ضمن آشنایی با آداب و قوانین گذشته، میزان پابرجایی برخی آداب و رسوم و منسوخ شدن برخی دیگر را هم مشخص می‌کند. بررسی وضعیت زنان از نظر بهره‌مندی از حقوق مختلف نشان می‌دهد که زنان در دوره‌های مختلف تاریخ و ادیان مختلف وضعیت و جایگاه‌های مختلفی داشته که این اختلاف وضعیت شامل حقوق مالی و وضعیت اقتصادی او نیز می‌شده است. «در جاهلیت، زن به جرم زن بودن از بسیاری حقوق مسلم خود محروم بود و علاوه بر آن تکالیف بسیاری روی دوشش سنگینی می‌کرد؛ اما دین اسلام برخلاف تفکر جاهلی، بین حقوق و تکالیف توازن برقرار کرده و هر دو صنف بشر، یعنی زن و مرد را از این موازنه بهره‌مند ساخته است.» (مهدوی راد و فتاحی زاده، ۱۳۸۰: ۲۰۸). در کتاب مقدس یهودیان-تورات- هر چند حقوق زنان به صورت مدون بیان نشده اما به نفقه زن تصریح شده است: «اگر زنی دیگر بر خود گیرد، آنگاه خوراک و مباشرت او را کم نکند» در مراسم ازدواج نیز زوج به زبان عبری می‌گوید: تو را به عقد نکاح خود در آوردم و به یاری حق کلیه احتیاجات و لوازم زندگی متعارف او را مادام که علقه زوجیت برقرار است، بر عهده گی زن با ازدواج نه تنها دارایی، بلکه شخصیت خود را نیز از دست می‌دهد و هیچ‌یک از اعمال وی ارزش قانونی ندارد و مرد می‌تواند معاملات و هدایای وی را به این دلیل که ارزش قانونی لازم را نداشته بی‌اعتبار خواند. زن صرفاً به همسرش تعلق دارد و از این روی دارایی، شخصیت حقوقی و نام خانوادگی خویش را از دست می‌دهد (عبدالعظیم محمد، ترجمه گل جان، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۴). ادیان ابراهیمی به موضوع ازدواج و زندگی خانوادگی اهتمام و باور داشتند. آن‌ها هم چنین رهبری و سرپرستی شوهر در خانواده را پذیرفته‌اند. با این حال تفاوت‌های آشکاری درباره حد و حدود این سرپرستی در میان ادیان (اسلام، مسیحیت و یهودیت) به چشم می‌خورد. سنت یهود و مسیحیت، برخلاف اسلام سرپرستی شوهر را عملاً تا مالکیت بر همسرش گسترش داده است (عبدالعظیم محمد، ترجمه گل جان، ۱۳۸۸: ۴۳). دین اسلام، سیستم اقتصادی ویژه‌ای به شرح زیر برای تأمین نیاز اقتصادی زنان در نظر گرفته شده است. علاوه بر حمایت مادی با عنوان نفقه از زن در طول زندگی، آیات و روایاتی هم به لزوم پرداخت مهریه اشاره دارد. در سیستم اقتصادی خانواده مرد در بدو ورود به زندگی مشترک باید هدیه ارزشمندی به عنوان سرمایه به همسر خود بپردازد و زن می‌تواند متناسب با سلیقه و تدبیر خویش از آن بهره ببرد (آیت الهی، ۱۳۸۸: ۲۳۲).

معمولاً بررسی تاریخ حقوق زن در سه دوره مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در اولین دوره وحشیگری و بت پرستی که زنانسان تلقی نمی‌شد و مثل یککشی قابل تملک بود و هم‌ردیف غلامان و چهارپایان بارکش و سودمند قرار می‌گرفت و دارای هیچ حقوق و اختیاری نبود. در این دوران زن حق نداشتن شوهر خود یک جا سکونت کند و با او غذا بخورد. مشکل‌ترین و سنگین‌ترین کارها بر دوش زنان بود. در دومین دوره ظهور ادیان توحیدی و ایجاد تمدن‌های مصر، روم، یونان و ایران است در این عصر، زن از لحاظ مادی و فردی واجد انسانیت شناخته شد و تا همین اندازه شریک زندگی مرد محسوب می‌شد. لیکن هنوز شخصیت حقوقی پیدا نکرده و از هر حیث تابع و مطیع افکار و اراده مرد است. دوران ساسانیان زنان از آزادی‌های اجتماعی برخوردار بودند و حتی بعضی از آن تا به مقام سلطنت نیز رسیدند ولی مرد عنصر برتر جامعه را تشکیل می‌داد و فرزندان پسر هم از نظر اقتصادی و از نظر اجتماعی دارای ارجحیت بیشتری بودند. در سومین دوره از ظهور اسلام شروع می‌شود. اسلام با تعلیمات عالی‌ه خود، زن را از وضع رقت آور نجات

بخشید و برای او حقوقی قائل گردید (علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

در برخی جوامع حقوق مالی و استقلال اقتصادی زنان محترم بوده و در برخی دوره‌ها و تمدن‌ها نه تنها حقوق مالی که خود او هم ارزش چندانی نداشته است؛ اما امروز می‌توان گفت در پس همه فراز و نشیب‌هایی که زنان در همه شئون در طی اعصار و دوره‌های گوناگون تجربه کرده‌اند وضعیت باثباتی از لحاظ تدوین و تبیین حقوق خود یافته‌اند و این تطور تاریخی حقوق مالی و اقتصادی او را نیز شامل شده است. با توجه به مطالب ارایه شده هدف پژوهش حاضر بررسی حقوق مالی زن در تمدن‌های کهن و ادیان توحیدی می‌باشد.

### روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی است. جامعه پژوهش حقوق مالی ثبت شده در تمدن‌های دوره باستانی و ادیان توحیدی می‌باشد. نمونه مورد بررسی حقوق مالی زنان در تمدن‌های پیشین، بعد از اسلام و ادیان توحیدی را شامل می‌شود.

### روش اجرا

برای رسیدن به هدف پژوهش اطلاعات با روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد و مطالب مرتبط با حقوق مالی زنان در تمدن‌های پیشین مانند تمدن ایلامی‌ها، مادها، هخامنشیان... و ادیان توحیدی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) مطالعه و مورد بررسی قرار گرفت و سپس با استفاده از روش کیفی تحلیل شدند.

### یافته‌ها

#### حقوق مالی زن در تمدن‌های کهن

##### - تمدن ایلام

ایلامی‌ها نخستین کسانی بودند که در خاک ایران امروزی - قریب چهار هزار سال پیش از میلاد - به تأسیس یک نظام حقوقی تمام‌عیار دست زدند و آن را در سراسر قلمرو خود رواج دادند (امین، ۱۳۸۶: ۴۴). از دوره قبل از هزاره سوم و چهارم ب.م. مردها به جای زن‌ها مورد لطف قرار می‌گرفتند. ولی بعد از این دوره‌ها یک نظام پدرسالاری قانونی مورد قبول قرار گرفت و موجب شد که حق وراثت صرفاً به اطفال خانواده واگذار شود. موقعیت زنان ایلامی نیز بهبود یافت و از آن به بعد دخترها و پسرها حق وراثت مساوی یافتند. در تقسیم ماترک، زن و مرد هر دو سهم مساوی دارند و گاه وارث فقط زن بود (علیزاده، ۱۳۹۱: ۷۰).

##### - مادها

مادها از اولین ساکنان کوه‌های زاگرس هستند که از آنان به عنوان مادهای متفاوت و قدرتمند و عظیم‌ترین دسته‌های ساکنین در ناحیه شرقی و مادهایی که پهنه وسیعی در اختیار دارند نام برده شده است. تا روزگاری که اصول مادر شاهی برقرار بود و نسب فقط از سمت زنان تعیین می‌شد، میراث عموماً به نزدیک‌ترین اقوام یعنی به هم‌خون شاخه‌ی مادر می‌رسید، زیرا که ثروت خاندان (ژن) باید در خود ژن باقی می‌ماند. ولی بعد از آن که در اثر گله‌داری و پیشرفت زراعت ثروت فزونی یافت و موقعیت اجتماعی و اقتصادی مردان بالا رفت به این

فکر افتادند که رسم موجود میراث را به نفع فرزندان خود دگرگون سازند. این تحول که به عقیده بعضی از جامعه‌شناسان و مقتصدین از شگفت‌ترین و بزرگ‌ترین انقلابات اجتماعی است بالاخره به این صورت علنی شد که تصمیم گرفتند اخلاف مرد در خاندان (ژن) باقی بمانند و اخلاف زن از ژن بیرون روند؛ یعنی به ژن پدر خودشان و به این ترتیب تعیین نسب از جانب مادر و حقوق ارثی مادر ملغی گردید (علیزاده، ۱۳۹۱: ۷۰).

#### - هخامنشیان

پس از مادها، در دوره هخامنشی وضعیت زن در جامعه تفاوت‌هایی محسوسی پیدا کرد؛ زیرا امپراتوری عظیمی برپا گشته و وضع جهان دگرگون شده بود. مرد وزن در کنار هم و پایاپای به کار و فعالیت مشغول بودند و این امر اختصاص به پاره‌ای از مشاغل نداشت و شمول آن بسیار گسترده بود. امکان آموزش‌های حرفه‌ای به مرد یا زن اختصاص نداشت و اصولاً آموزش و دستمزد زن و مرد برابر بود. آن چه میزان حقوق را رقم می‌زد نوع کار بود نه جنسیت یک فرد. زن می‌توانست از مرخصی زایمان استفاده کند و برای مدت کوتاهی از کار بیرون دست بکشد و در این زمان حقوق دریافتی به حداقل می‌رسید؛ اما این حداقل کفاف گذراندن زندگی او را می‌داد. زنان می‌توانستند از مزایای مشاغل نیمه‌وقت بهره ببرند؛ و حقوق زنان سرپرست، افزون بر مردان بوده است؛ در زمان هخامنشیان یک زن در بابل یا در ایلام و مصر از آزادی زیادی برخوردار بود و می‌توانست دارایی خود را داشته باشد و در استفاده از آن یا هر نوع دخل و تصرفی در آن صاحب اختیار باشد (علیزاده، ۱۳۹۱: ۹۸). به طور کلی حقوق مالی زن در هخامنشی این گونه بود:

- ۱- تجهیزیه مال زن یا خانواده پدری او بود ولی شوهر می‌توانست از آن بهره ببرد.
- ۲- اگر شوهر زنش را طلاق می‌داد، باید تجهیزیه او را مسترد می‌کرد و بک سهم پسری از اموال خود را به او ببخشد، اگر زن نازا بود فقط تجهیزش به او می‌رسید.
- ۳- مرد از زن ارث نمی‌برد.
- ۴- زن علاوه بر تجهیز از شوهر متوفی خود سهمیه به‌عنوان هدیه دریافت می‌کرد.
- ۵- زن می‌توانست اموالش را خود اداره کند، اجاره بدهد، تجهیزیه خود را پس بگیرد و مال خود را ببخشد، تجارت کند و شغل داشته باشد.
- ۶- دختر و پسر در ارث بردن مساوی بودند. (بابائی، ۱۳۷۷: ۲۸).

#### - ساسانیان

در دوره ساسانی زنان در جامعه و خانواده پایگاه‌های متفاوت داشتند و حقوق آنان در آن دوره قابل توجه بود. زن حق مالکیت داشت و می‌توانست قیم فرزند پسر خود باشد. معمولاً پدر خانواده که صاحب اختیار همه خانواده بود، در عواید اموال خاص زوجه و غلامان خود تصرف می‌کرد. با این تفاوت که اگر زن را طلاق می‌داد مکلف بود منافع خاص زن را به او بدهد (علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۴۷). در این دوران نیز مانند ادوار پیشین تعدد زوجات متداول بود و زن از بسیاری از نارسایی‌های حقوقی و محدودیت‌های اجتماعی و مذهبی به شدت رنج می‌برد. با وجود این که در دوران ساسانیان زنان از آزادی‌های اجتماعی برخوردار بودند و حتی بعضی از آنها تا به مقام سلطنت نیز رسیدند ولی مرد عنصر برتر جامعه را تشکیل می‌داد؛ و فرزندان پسر از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی دارای ارجحیت بیشتری بودند (علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

**روم -**

با این که رومیان تمدن درخشان‌تری داشتند، طبق اسناد تاریخی حقوق روم، دختران و زنان به طور کلی از ارث محروم بوده و هرگاه متوفی جز دختر، فرزند دیگری نمی‌داشت، دختر را مکلف به تولید پسر می‌کردند تا آن پسر بتواند وارث جد مادری خود شود (حسینی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۱۳). مهریه و تمام دارایی زن به مجرد رسیدن به خانه شوهر، مال شوهر می‌شد. زن حق ارث نداشت بلکه بیرون رفتن از خانه پدری کافی بود برای این که از ارث محروم شود (حسینی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۸). مسئله‌ای به نام حق قانونی نفقه و جود نداشت؛ اما کم‌کم اختیارات و قدرت سرپرست خانواده تعدیل شد و هیئت مقننه، مرد را مکلف به تکالیفی از قبیل اطعام و تغذیه همسر و اعضای خانواده کرد (چگینی، ۱۳۹۱: ۵۹). دختران و زنان مانند شی مملوک مورد معامله واقع می‌شدند. حق مالکیت، معاشرت، رفت‌وآمد نداشتند. پدر هر وقت صلاح می‌دانست می‌توانست آن‌ها را بفروشد، قرض و کرایه دهد و یا بکشد. در انتخاب شوهر، به هیچ وجه نظر زن دخیل نبود و بدون چون و چرا باید تسلیم می‌شد (حیدری و ابراهیمی نسب، ۱۳۸۹: ۷۶).

**یونان -**

در تمدن یونان، زن عنصر توالد بود و به هیچ وجه شریک زندگی مرد شناخته نمی‌شد. به همین دلیل هم شوهر هیچ تکلیفی در مورد انفاق زن نداشت. در اسپارت زنان باید پسران نیرومندی می‌زاییدند که برای جنگ مفید باشند. چندین قرن پس از ظهور مسیح و افکار مذهبی پیروان او، در اثر تلاش علمای اصلاح طلب مسیحیت، زن از شیء قابل تملک بودن خارج شده و به صورت انسان شناخته شد و در پی آن دارای حقوق اجتماعی از قبیل نفقه گردید (چگینی، ۱۳۹۱: ۶۰).

**هند -**

گرچه از روزگاران قدیم، هند دارای علم و تمدن و فرهنگ بود، اما وضعیت زنان بهتر از ملل و اقوام دیگر نبود. بلکه همانند سایر ملل تا قبل از ازدواج، ملک و یرده پدر و پس از ازدواج، برده و ملک شوهر بودند و پس از مرگ او بالباس فاخر و آرایش کرده هم چون شب عروسی همراه با جسد مرده شوهرش زنده در آتش سوزانده می‌شد. زن از مردگان خود ارث نمی‌برد و بدون اذن و رضایت خودش، شوهرش می‌دادند. در قوانین آن‌ها زن هم چون کنیز و جاربه مالک چیزی نبود، بلکه هر چیزی کسب می‌کرد، مال شوهرش محسوب می‌شد و جز با طلاق نمی‌توانست از شوهر خود جدا شود (حسینی مقدم، ۱۲۹۳: ۳۴).

**چین -**

زن چینی حق ورود به معابد و تقدیم قربانی به نیاکان و پیشینیان را نداشت. در تمدن چین تولد دختر بار سنگینی به شمار می‌آمد و خانواده‌های فقیر نوزاد دختر را که اضافه بر حاجت بود در مزرعه‌ای دور می‌انداختند تا سرما آن‌ها را هلاک کند. زن قبل از ازدواج می‌بایست از پدر اطاعت می‌کرد و بعد از ازدواج هم تحت اوامر شوهر می‌بود. در آن تمدن برای دختران سهم الارث وجود نداشت، زیرا دختران را فرزند نمی‌دانستند، پدر مالک زن و فرزندان به شمار می‌رفت. حتی حق داشت آن‌ها را بکشد. اگر همه فرزندان دختر بودند، پدر پسری را به فرزندی قبول کرده و او را وارث خود قرار می‌داد (حسینی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۵، ۱۱۴).

**- مصر**

زنان آفریقا از لحاظ برخورداری از حقوق مدنی و کرامت و منزلت انسانی، موقعیتی بس پایین تر و پست تر از دیگران در مشرق زمین داشتند، زنان در آفریقا تا سده‌ی نوزدهم مانند بردگان و ابزار کشاورزی خرید و فروش می‌شدند (عظیم زاده اردبیلی و خسروی، ۱۳۸۸: ۴۳).  
اما با گذشت زمان، با زن مصری، رفتاری مشابه مردان می‌شده و زنان می‌توانستند اموالی را تصاحب کنند. ناگفته نماند هر چند مادر، محور خانواده بود، اما تمامی حقوق او ناشی از مادری نبود. زن از همان بدو تولد، از تمامی حقوق برخوردار می‌شد و هیچ‌گونه تغییری در اموال قانونی او به علت ازدواج یا به دنیا آوردن فرزند پدید نمی‌آمد (دروش نوبلکور<sup>۱</sup>، ۱۹۱۳، ترجمه آگاهی، ۱۳۸۵: ۲۳۵). زن تحت اقتدار شوهر و یا سلطه پسرش ارشده نبود. او می‌توانست از شوهرش همانند فرزندان ارث ببرد. زن واجد هرگونه قابلیت تصاحب اموال منقول و غیر منقول، همانند مرد بود (دروش نوبلکور، ۱۹۱۳، ترجمه آگاهی، ۱۳۸۵: ۲۴۰).

**حقوق مالی زن در ادیان توحیدی**

ادیان ابراهیمی به موضوع ازدواج و زندگی خانوادگی اهتمام و باور داشتند. آن‌ها هم چنین رهبری و سرپرستی شوهر در خانواده را پذیرفته‌اند. باین حال تفاوت‌های آشکاری درباره حد و حدود این سرپرستی در میان ادیان (اسلام، مسیحیت و یهودیت) به چشم می‌خورد. سنت یهود و مسیحیت، برخلاف اسلام سرپرستی شوهر را عملاً تا مالکیت بر همسرش گسترش داده است (عبدالعظیم محمد، ترجمه گل جان، ۱۳۸۸: ۴۳).

**- یهود**

سنت یهود درباره وظیفه مرد در قبال همسرش از این نگرش ناشی می‌شود که مرد مالک همسرش است، همان‌گونه که بر برده خویش مالکیت دارد. خاخام‌های یهودی حق مرد بر اموال زن را لازمه تملک مرد بر زن می‌دانند. عروس به محض ازدواج هیچ‌گونه نظارت و اختیاری بر چیزی نداشت. افزون بر این انتظار می‌رفت او پس از ازدواج کار کند و همه درآمدها در ازای مراقبت و نگهداری همسرش از او که وظیفه‌اش بود به وی (شوهر) برسد. زن تنها در دو حالت می‌توانست به اموال خود برسد: طلاق یا فوت شوهرش. در کتاب مقدس یهودیان -تورات- هر چند حقوق زنان به صورت مدون بیان نشده اما به نفقه زن تصریح شده است: «اگر زنی دیگر بر خود گیرد، آنگاه خوراک و مباشرت او را کم نکند» در مراسم ازدواج نیز زوج به زبان عبری می‌گوید: تو را به عقد نکاح خود در آوردم و به یاری حق کلیه احتیاجات و لوازم زندگی متعارف او را مادام که علقه زوجیت برقرار است، بر عهده گیرم (چگینی، ۱۳۹۱: ۶۱).

**- مسیحیت**

مسیحیت نیز تا این اواخر از سنت یهود پیروی می‌کرد. در امپراتوری روم مسیحی مقامات دینی و مدنی موافقت‌نامه مالی میان زوجین را شرط لازم برای تأیید و به رسمیت شناختن ازدواج می‌دانستند. بنا بر قانون کلیسا، زن پس از فسخ ازدواج دوباره مالک جهیزه‌اش می‌شود، مگر این که مرتکب زنا شده باشد. در این

۱. Desroches-Noblecourt, Christiane

صورت به منزله جرمه، جهیزیه در تملک شوهر باقی می‌ماند. بنابر قانون کلیسا و قوانین مدنی، زن متأهل در جامعه مسیحیت اروپا و آمریکا تا اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست میلادی حقوق و دارای خود را از دست می‌داد. زن صرفاً به همسرش تعلق دارد و از این روی دارای، شخصیت حقوقی و نام خانوادگی خویش را از دست می‌دهد (عبدالعظیم محمد، ترجمه گل جان، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۴).

### حقوق مالی زن قبل از اسلام

نظام جاهلی زن را موجودی حقیر و خوار و فقط وسیله‌ای برای زادآوری می‌دانست، خبر دختردار شدن موجب خشم و نارضایتی برای مرد جاهلی وزنده به گور نمودن او بود.

«وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ» (نحل: ۵۸).

«و چون یکی از آنان را به (تولد) دختر بشارت دهند (از فرط غیظ و غضب) صورتش سیاه گردد در حالی که خشم گلویش را می‌فشارد»

زن در عصر جاهلی وظایفی سنگینی بر عهده داشت و کار او به مراتب از مرد دشوارتر بود، او وظیفه شیر دوشیدن، شستن لباس تا آماده کردن طعام، چیدن پشم گوسفندان، جمع کردن هیزم و تربیت اولاد را به عهده داشت (خزعلی، ۱۳۸۸: ۸۹). اما هنگام تقسیم اموال و چهارپایان سهم پست به زنان تعلق می‌گرفت و

نصیب بهتر هر چیز مخصوص مردان بود و به این مطلب قرآن کریم اشاره می‌نماید:

«وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (انعام: ۱۱۳).

«و گفتند: آنچه در شکم این دام‌هاست اختصاص به مردان ما دارد و بر همسران ما حرام شده است و اگر [آن جنین] مرده باشد همه آنان [از زن و مرد] در آن شریک‌اند. به زودی [خدا] توصیف آنان را سزا خواهد داد زیرا او حکیم داناست. خداوند آن‌ها را به مجازات این گفتار به زودی می‌رساند و خدا درست‌کردار و داناست.»

البته نمی‌توان منکر وجود زنان با کفایت و شریف در عصر جاهلی شد که دارای جایگاه ویژه خویش بودند و عمده این زنان را وابستگان به خانواده‌های شریف خصوصاً زنانی تشکیل می‌دادند که در محیط حرم و مکه به سر می‌بردند. زنی بزرگوار هم چون خدیجه (س) که در عصر جاهلی نزدیک بعثت به کار تجارت مشغول بوده و استقلال کاری و اقتصادی خویش را حفظ نموده و مردان بسیاری را در امر تجارت خویش به کار می‌گیرد؛ اما اکثریت زنان در جزیره‌العرب از چنین اموری محروم بودند تا زمانی که قرآن کریم استقلال مالی و مالکیت آنان را به رسمیت شناخت (خزعلی، ۱۳۸۸: ۹۰). در جاهلیت چیزی از مهریه به زن پرداخت نمی‌شد. آن چه از اخبار مورخان برمی‌آید این است که در جاهلیت ارث اختصاص به پسر بزرگ متوفی داشت یعنی کسانی که سوار کاری و جنگاوری می‌دانستند و همسر و دختر و فرزندان کوچک از این مال بی‌بهره بودند. سخن جاهلی این بود که ارث به کسی می‌رسد که با دشمن می‌جنگد و غنیمت به دست می‌آورد (خزعلی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)؛ که در همین رابطه آیه «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نسا: ۷).

«برای مردان، از آن چه پدر و مادر و نزدیکان، (پس از مرگ) بر جای گذاشته‌اند سهمی است، و برای زنان (نیز) از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته‌اند، سهمی است، خواه (مقدار مال) کم باشد یا زیاد، سهمی معین و مقرر است.» نازل می‌شود؛ و بدین وسیله حق زنان را در ارث تثبیت نمود. نحوه

طلاق هم بسیار اسف بار بود، چون با سنت‌های ستمگرانه، دور از انصاف و غیرانسانی همراه بود؛ و بدون مقدمه، شرط، پیامد قانونی، شاهد، نفقه و حتی هر گونه هزینه‌ای صورت می‌گرفت (شیرودی، ۱۳۸۴: ۹۹).

### حقوق مالی زن در دوران ظهور اسلام

با ظهور اسلام زن از مقام و موقعیتی درخور شأن خود برخوردار شد و حقوق پایمال شده او، اعاده شد. اسلام تفکر جاهلانه مرد گرایی را در هم ریخت و زن را برکت و دختر را ریحانه معرفی کرد؛ و با احترام به ویژگی‌ها و عواطف شان، راه‌های تعالی و رشد را برای زنان در همه عرصه‌ها فراهم کرد.

«یا ایها الناس انما خلقناکم من ذکر و اندی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات: ۱۳)

«ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و در گروه‌ها و تیره‌های بزرگ و کوچک جای دادیم تا یک دیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا، با تقوی‌ترین شماست.»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «آیه شریفه در مقام بیان این مطلب است که ریشه تفاخر به انساب را بزند؛ و برابر این مراد از جمله «من ذکر و انثی» آدم و حوا خواهد بود و معنای آیه چنین می‌شود: ما شما مردم را از یک پدر و یک مادر آفریدیم. همه شما از آن دو تن منتشر شده‌اید. چه سفیدتان و چه سیاهتان، چه عربتان و چه عجمتان و ما شما را به صورت شعبه‌ها و قبیله‌های مختلف قراردادیم نه برای این که طایفه‌ای از شما بر سایرین برتری و کرامت داشته باشد، بلکه صرفاً برای این که یک دیگر را بشناسید و امور اجتماعات و مواصلات و معاملاتتان بهتر انجام گیرد» (طباطبایی، ۱۳۹۲ ه ق، ج ۱۸، ترجمه همدانی، ۱۳۶۳: ۴۸).

اسلام نخستین مکتبی است که قائل به تساوی حقوق زن و مرد، استقلال، حق مالکیت و سرشت انسانی و... برای زن شده و بزرگ‌ترین منادی آزادی زن است. با ورود اسلام، حق مالکیت برای زنان به رسمیت شناخته شد و از نگاه شی‌بودن خارج گردید. شاهد اول: آیه ۳۲ نساء از ظاهر آیه مشخص می‌شود که خداوند بر زنان حق اداره اموال و مایملک شان را معتبر دانسته و این همان حق مالکیت برای زنان هست.

«و لا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً»

«برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرارداد آرزو نکنید! (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما است. ولی با این حال) مردان نصیبی از آن چه به دست می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد) و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، (برای رفع تنگناها) طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست.»

شاهد دوم: آیه ۷ و ۱۱ سوره نساء که با توجه به دو آیه فوق معلوم می‌شود که خداوند سبحان برای پیشرفت زن در جامعه اقدام به توسعه اسباب تملک برای زنان می‌نماید (عطاش، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

«نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا»

اسلام شخصیت مستقل زن را تضمین کرده است. شوهر اجازه ندارد که سهمی در مایملک همسرش داشته باشد،

مگر آن‌هایی را که همسر با رضایت کامل و آزادانه به او تقدیم کرده است. در آیه ۴ سوره نساء

می‌فرماید: «و مهریه زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر پردازید، پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند برخوردار شوید که آن شما را حلال و گوارا خواهد بود.»  
زوج و زوجه هر دو از یک دیگر ارث می‌برند، علاوه بر این، در اسلام، زن متأهل استقلال شخصیتی و قانونی‌اش را حفظ می‌کند.

«أَسْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلًا فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمِرُوا بِبَنَاتِكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسَرِّضْ لَهُ الْآخَرَىٰ» (طلاق: ۶).

«آن‌ها (زنان مطلقه) را در منزل خویش که در توانائی شماست سکونت دهید؛ و به آن‌ها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند)؛ و اگر باردار باشند، نفقه آن‌ها را پردازید تا وضع حمل کنند؛ و اگر برای شما (فرزند را) شیر می‌دهند، پاداش آن‌ها را پردازید؛ و (درباره فرزندان، کار را) بامشاوره شایسته انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری شیر دادن آن بچه را بر عهده می‌گیرد.»  
در خصوص طلاق، اسلام برای هر دو حق در نظر می‌گیرد. اسلام حق طلاق را به شوهر می‌دهد و به زن نیز حق فسخ ازدواج را به طریقی که به آن خلع می‌گویند می‌دهد.  
«وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا» (نسا: ۲۰).

«و اگرخواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر به جای او به همسری اختیار کنید و مال بسیار بر او مهر قرار داده‌اید، البته نباید چیزی از مهر او باز بگیرید، آیا به وسیله‌ی تهمت زدن به زن مهر او را می‌گیرید؟ و این عمل گناهی بزرگ و زشتی آن آشکار است.»

شهید مطهری نیز درباره حقوق مالی و اقتصادی زن در اسلام چنین می‌گوید: «اسلام به شکل بی‌سابقه‌ای جانب زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده است. از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده و دست مرد را از مال و کار او کوتاه کرده و حق قیمومیت در معاملات زن را از مرد گرفته است و از طرف دیگر با برداشتن مسئولیت تأمین بودجه خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزام برای دویدن به دنبال پول معاف کرده است» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۲۰).

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به هدف پژوهش که به وضعیت زنان از لحاظ استقلال اقتصادی و دارا بودن حقوق مالی در ادوار مختلف تاریخی و ادیان توحیدی پرداخته است. مطالعه ابعاد مختلف زندگی زنان در طول تاریخ و تمدن‌های متعدد، نشان از تأثیرگذاری فرهنگ‌ها و از همه مهم‌تر نوع حکومت‌ها بر وضعیت زنان دارد. استقلال اقتصادی زنان و به رسمیت شناختن حقوق مالی او در پاره‌ای از زمان فاصله زیادی با مردان داشته و زن در آن دوران فاقد هرگونه تمتع مالی بوده است. در برخی دوره‌ها نیز دارای وضعیت بهتری بوده است. با پیشرفت سیاست‌گذاری‌ها و ثبات دولت‌ها و آشنایی ملت‌ها با حقوق خود در گذر زمان، بهره‌مندی زنان از حقوق مالی و استقلال در امور مالی خود شکل باثبات‌تری به خودش گرفته است. در تمدن‌های قبل از اسلام زنان از برخی از این حقوق بهره‌مند می‌شدند و از برخی هم محروم بوده‌اند.  
در ادیان ابراهیمی ضمن موضوعیت زندگی خانوادگی و رهبری و سرپرستی شوهر در خانواده تفاوت‌های

آشکاری درباره حد و حدود این سرپرستی در میان ادیان (اسلام، مسیحیت و یهودیت) وجود دارد. در سنت یهود زن با ازدواج مالکیت بر اموال خود را از دست می‌دهد و در مسیحیت نیز زن و اموال او در تملک مرد بوده و زن هیچ تسلطی بر اموال خود نداشته است. در دوران قبل از اسلام (جاهلیت)، زن به جرم زن بودن از بسیاری حقوق مسلم خود محروم بود و علاوه بر آن تکالیف بسیاری روی دوشش سنگینی می‌کرد.

در دین اسلام، سیستم اقتصادی ویژه‌ای برای تأمین نیاز اقتصادی زنان در نظر گرفته شده است. علاوه بر حمایت مادی با عنوان نفقه از زن در طول زندگی، آیات و روایاتی هم به لزوم پرداخت مهریه اشاره دارد. در سیستم اقتصادی خانواده مرد در بدو ورود به زندگی مشترک باید هدیه ارزشمندی به عنوان سرمایه به همسر خود بپردازد و زن می‌تواند متناسب با سلیقه و تدبیر خویش از آن بهره ببرد. ضمن این که از زن استقلال کامل در تملک و استفاده از اموال خود دارا است ضمن این که شیردهی و سایر اقدامات او در خانه قابلیت ارزش گذاری مالی دارد و قابل مطالبه است.

با بررسی‌های انجام شده باید گفت با آمدن اسلام، استقلال اقتصادی و حق تملک زن بر دارایی‌هایش به جد رسمیت یافت و نظام اقتصادی خانواده به گونه‌ای تدوین شد که از ابتدای تولد تا مرگ زن مرجع تأمین مالی زن مشخص است و تمتع او از اموال خود کاملاً روشن و بر اساس انسانیت او است.

**تعارض منافع:** نویسندگان (نویسنده) تصریح می‌نمایند در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد.

این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

#### منابع

- قرآن کریم.
- امین، سید حسن. (۱۳۸۶). *تاریخ حقوق ایران*. تهران: دایرةالمعارف ایران شناسی.
- آیت‌اللهی، زهرا. (۱۳۸۸). *زن و خانواده*. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- بابائی، باقر. (۱۳۷۷). *روابط مالی زوجین در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و مقایسه آن با حقوق ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق، قم.
- چگینی، شکوفه. (۱۳۹۱). *حقوق اقتصادی زن در اسلام*. مشهد: آفتاب.
- حسینی مقدم، عسکری. (۱۳۹۳). *مطالعه تطبیقی حقوق زن-در ادیان و مکاتب، حقوق ایران و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان*. تهران: بینه.
- حیدری، حسن، یوسف، ابراهیمی نسب. (۱۳۸۹). *جایگاه زن در گذر تاریخ و سیری در حقوق آن*. نشریه علمی زن و فرهنگ، ۲(۵)، ۷۱-۸۴.
- خزعلی، انسیه. (۱۳۸۸). *تصویر عصر جاهلی در قرآن*. تهران: امیرکبیر.
- دروش نوبلک‌سور، کریستیان. (۱۹۱۳). *زن در عصر فراعنه و اسرار تمدن مصر باستان*. ترجمه دکتر عباس آگاهی. (۱۳۸۵). تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- شیرودی، مرتضی. (۱۳۸۴). *نگاهی به جایگاه زن در عصر باستان، اسلام، غرب و جمهوری اسلامی*. فصلنامه مریبان، ۵(۱۸۰)، ۹۵-۱۱۸.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۲ ه ق). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر همدانی. (۱۳۶۳). جلد ۱۸،

- قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عبدالعظیم محمد، شریف.. زن در اسلام، مسیحیت و یهودیت. ترجمه مهدی گل جان. (۱۳۸۸). قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- عطاش، عبدالرضا. (۱۳۹۲). جایگاه حقوقی زن در قرآن کریم. نشریه علمی زن و فرهنگ، ۴(۱۶)، ۱۱۰-۱۰۳.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه، خسروی، لیلا. (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب. تهران: مرکز امور زنان و خانواده.
- علیزاده، فروغ. (۱۳۹۱). زن در ایران باستان. تهران: شورآفرین.
- مهدوی راد، محمدعلی، فتاحی زاده، فتیحه. (۱۳۸۰). مبانی شخصیت زن از دیدگاه اسلام. فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۱۱(۴۰)، ۱۹۸-۲۲۳.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). مجموعه آثار شهید مطهری. جلد ۱۹، تهران: صدرا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

## Women's Financial Rights In Ancient Civilizations And Monotheistic Religions

Z. Soodi \*

F. Hajiali \*\*

### Abstract

The aim of this study was to investigate the financial rights of women in ancient civilizations and monotheistic religions. The research population was the registered financial rights in the civilizations of ancient times and monotheistic religions. The studied sample included women's financial rights in preceding civilizations, post Islam, and monotheistic religions. The research design was descriptive. Documentary and library methods were used to collect data. The data analysis performed qualitatively. The findings showed that women's financial rights in different historical periods was not stable and specified. And it differed from one civilization to other civilizations and in different religions, there were a lot of rises and falls. In pre-Islamic civilizations, women enjoyed certain rights and were deprived of some. But in monotheistic religions, including Judaism, a woman loses her property by marriage. In Christianity, both the woman and her property were owned by the man, and the woman had no control over her property. But with the emerge of Islam, women's economic independence and the right to own property became official and the economic system of the family was formulated in such a way that from the beginning of birth to the death of the woman, the source of financing for the woman and the enjoyment of her property became very clear and determined by her humanity. And over time, women had been able to secure their financial and economic rights.

**Keywords:** financial rights, ancient civilizations, monotheistic religion.

\* M.A. in Women's Studies, Al-Zahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author, Email: soodizeinab@gmail.com)

\*\*Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, Al-Zahra University, Tehran, Iran. (Email: faribahaj@yahoo.com)